

# زندگی اخلاقی

## در مدرسه

گفت و گو با دکتر محمد حسنی  
عضو هیئت علمی پژوهشگاه تعلیم و تربیت

و متفکران در این رابطه بحث کرده‌اند و آثار زیادی هم در این زمینه به جا گذاشته‌اند. حداقل می‌توان گفت دو جریان در بحث اخلاق و فلسفه اخلاق وجود دارد: یکی اخلاق از منظر رویکرد اخلاق فضیلت و دوم مبتنی بر نظریه اخلاق اصول. در اخلاق فضیلت نظر بر این است که اخلاق ماهیتاً صفاتی هستند که در نفس انسان و در شخصیت انسان، به مرور زمان و در اثر تجربه‌های مکرری که در زندگی بشر رخ می‌دهند، شکل می‌گیرند. بعضی از خصوصیات مثبت در فرد رسوب می‌کنند و آهسته‌آهسته به بخش ثابت و پایدار شخصیت فرد تبدیل می‌شوند که این می‌شود اخلاق که در اصطلاح فضیلت هم به آن

### • تربیت اخلاقی چیست؟ مؤلفه‌های تربیت اخلاقی که در مدرسه مورد نظر است و قرار است معلمان و مربیان تربیتی به آن‌ها بپردازند، کدام‌اند؟

□ به نام خدا. از شما تشکر می‌کنم که زحمت کشیدید و تشریف آوردید و مقوله مهم و شاید هم به نوعی مغفول و در حاشیه مانده تعلیم و تربیت را مورد توجه قرار دادید. تربیت اخلاقی از دو مفهوم به نام اخلاق و تربیت متشکل است. ما اگر این دو مفهوم را جداگانه بشناسیم، شاید بهتر بتوانیم مفهوم ترکیب شده و ممزوج شده آن را درک و فهم کنیم. اخلاق یک مفهوم بسیار بسیار پیچیده است که سال‌های سال فیلسوفان



جان داشته باشند. این می‌شود بخشی از هویت و هستی انسان‌ها که می‌شود ارزش‌های اخلاقی. شخصیت آن‌ها رنگ اخلاقی پیدا می‌کند. بنابراین، یک نوع گفتمان، گفتمان اخلاق فضیلت است. اما در چگونگی آن خیلی ساده برخورد نشده است که بگوییم مثلاً تکرار کنند یا تمرین کنند تا این صفات تشکیل شوند. تشکیل صفات در واقع مستلزم درک و فهمی عمیق از ارزش‌های اخلاقی است. خود این درک و فهم عمیق یک مجموعه ساز و کارهایی می‌خواهد. چون اگر یادتان باشد، گفتیم تربیت دو شاخص یا ویژگی دارد؛ یکی آگاهی و دیگری عاملیت. دوم اینکه وقتی فرد آگاهی پیدا کرد، اقدام به عمل بکند؛ یعنی کنش اخلاقی یا کنش‌ورز اخلاقی باشد و این کنش‌ورزی اخلاقی به او کمک می‌کند آن صفات را روز به روز تقویت کند و توسعه بدهد و تعالی ببخشد. فرایند شکل‌گیری هویت اخلاقی هم یک نقطه نیست. در واقع یک مکان مشخص یا یک نکته مشخص نیست، بلکه یک فرایند است. یعنی فرایندی هم پیش‌رونده و هم فزاینده است که در طول زندگی انسان‌ها آن هویت اخلاقی شدت و غلظت پیدا می‌کند.

### • برای تربیت اخلاقی، مدارس باید چه رویکردی را دنبال کنند؟

تربیت اخلاقی در مدرسه رویکردهای متعددی دنبال می‌شوند. یکی از شکل‌های برخورد با تربیت اخلاقی این است که بعضی از نظام‌های آموزشی برنامه درسی کاملاً مستقلی برای تربیت اخلاقی دارند. یعنی آن‌ها اصلاً یک درس دارند به نام اخلاق. حالا ممکن است مانند ژاپنی‌ها عنوان درشان اخلاق نباشد و مثلاً «طریق فضیلت» باشد. ولی کاملاً مشخص است که رویکردشان رویکرد فضیلت است و این‌ها، تا ۹ سال اول، اگر اشتباه نکنم، دقیقاً این درس را دارند. کوره‌های دوازده سال درسی دارند کاملاً مشخص و مستقلی به نام اخلاق. اصولاً کشورهای آسیای شرقی و شرق دور اصلاً به صورت سنتی در این زمینه برنامه درسی کاملاً مستقلی دارند. خیلی از کشورها هستند که نمی‌پسندند و این رویکرد را اصلاً قبول ندارند و می‌گویند اخلاق یا تربیت اخلاقی محصول کنش تمام عوامل مدرسه است. مثالی می‌زنم. مثلاً در هواپیما پرواز محصول کدام قسمت از هواپیماست؟ قسمت بال؟ قسمت موتور؟ قسمت دنباله یا بدنه؟ شما چه می‌گویید؟ می‌گویید محصول تمامی قسمت‌های هواپیماست؟ یعنی نمی‌توانید بگویید چون بال دارد پس پرواز می‌کند. چون خیلی چیزها بال دارند، ولی پرواز نمی‌کنند. موتور می‌خواهد، چرخ می‌خواهد، شاهین عقب می‌خواهد و پیش‌برنده می‌خواهد و خیلی چیزهای دیگر. در واقع، گروهی این نگاه را دارند. در حقیقت یک جور نگاه ضمنی

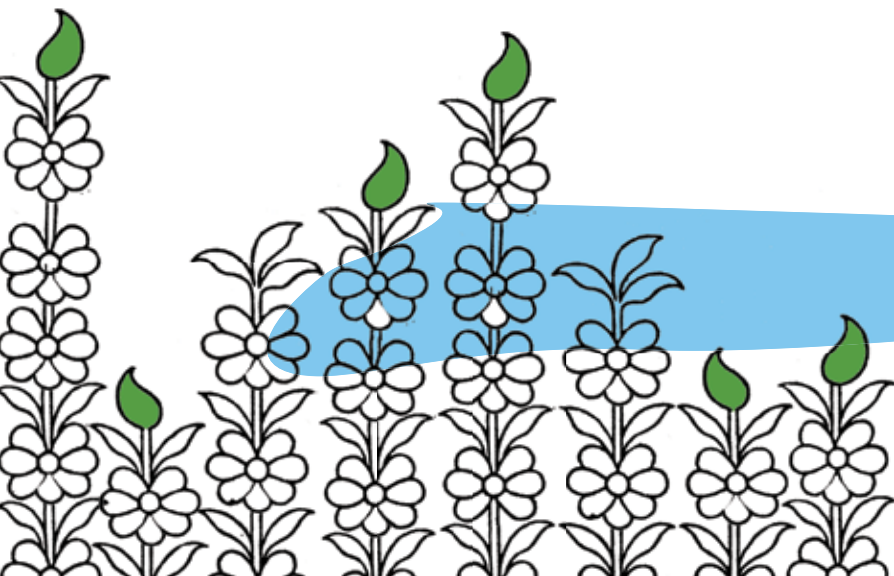
می‌گویند؛ مانند فضیلت شجاعت، فضیلت بخشندگی، فضیلت محبت، فضیلت درستکاری و فضایل دیگر. اما رویکرد دیگری از اخلاق وجود دارد به نام اخلاق اصول که بیش از اینکه اخلاق را یک صفت راسخ در جان بداند، مجموعه‌ای از اصول وجدانی می‌داند که عمل انسان، زمانی اخلاقی است که مبتنی بر این اصول باشد.

حالا با توضیحات مختصری که درباره اخلاق دادیم، ببینیم خود تربیت چیست؟ اصولاً تربیت مجموعه اقداماتی است که مربی با کمک مربی انجام می‌دهد تا تغییرات مطلوبی در ساحت‌های وجودی متربی ایجاد شوند و این مجموعه اقدامات باید بر دو ویژگی متکی باشند. یکی از ویژگی‌ها این است که بر آگاهی و فهم آدم‌ها متکی باشد و دوم اینکه بر انتخاب و عاملیت آدم‌ها یا متربیان متکی باشد.

با توجه به نکات فوق تربیت اخلاقی مجموعه‌ای است از اقدامات مبتنی بر آگاهی و عاملیت مربی، برای اینکه فردی در ساحت اخلاقی زندگی‌اش بتواند اخلاقی عمل کند. ساحت اخلاقی زندگی از ساحت‌های مهم و اساسی زندگی است که ساحت‌های دیگر را هم تحت تأثیر خودش قرار می‌دهد. یعنی شما حتی در حرفه خودت و در نقش‌های متعددی که در زندگی دارید، اخلاق آن را به صورت ضمنی هدایت می‌کند. به هر حال، ساحت اخلاقی حتی می‌تواند نوع مواجهه شما را با دین و دین‌ورزی و رفتار دینی تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین، تعریف تربیت اخلاقی عبارت است از مجموعه‌ای از مداخلات و اقدامات که منجر می‌شود فرد از طریق آگاهی‌بخشی و عاملیت و اجازة انتخاب‌دادن به مربی، بتواند هویت اخلاقی خودش را شکل بدهد. آنچه الان در شرایط موجود ما، به خصوص در تعلیم و تربیت رسمی و عمومی دنبال می‌شود، خیلی به آن تعریف از اخلاق نزدیک نیست. عموماً در وضعیت موجود تربیت اخلاقی را بیشتر نوعی اطلاع‌رسانی اخلاقی می‌دانند که ما واژه‌های اخلاقی و موضوعات اخلاقی را به بچه‌ها اطلاع و آگاهی بدهیم که مثلاً چیزی به نام بخشش وجود دارد. چیزی به نام احترام و احسان وجود دارد. چیزی به نام سپاسگزاری وجود دارد و امثال آن. اگرچه ما اساساً این را رد نمی‌کنیم، یعنی آگاهی‌بخشی، بخشی از کار ماست، اما این تمام کار نیست، بلکه ساده‌ترین و پیش‌پاافتاده‌ترین شکل از تربیت اخلاقی است.

### • در سند تحول تربیت اخلاقی چگونه بیان شده است؟

در سند تحول، اگرچه بحث اخلاق فضیلت یک جوری خمیرمایه کار ماست، ولی ما فراتر از این رفتیم. یعنی در واقع در اخلاق فضیلت، تأکید می‌کنیم افراد باید هویت اخلاقی پیدا کنند و هویت اخلاقی یعنی چه. یعنی صفات اخلاقی راسخ در



فنی و حرفه‌ای خیلی جدی است، در ساحت زیستی و بدنی و اخلاق زیست‌محیطی خیلی جدی است و ابعاد دیگر. بنابراین، کاملاً مشخص است که ما یک رویکرد فرابرنامه‌ای داریم. منتها من برنامه‌های درسی دوره ابتدایی کشور را که بررسی کردم، واقعا این رویکرد فرابرنامه‌ای وجود دارد. یعنی ما می‌بینیم ارزش‌های اخلاقی در همه رویکردهای درسی یک جوری حضور دارند؛ حتی در علوم، ریاضی، دینی، مطالعات اجتماعی و حتی در قرآن. اما مسئله این است که این رویکرد فرابرنامه‌ای آشفته و بی‌نظم است. یعنی هماهنگی‌هایی بین این برنامه‌ها ایجاد نشده است که مثلاً ما بگوییم همه شما مؤلفان کتاب پایه پنجم روی این ارزش‌ها متمرکز شوید و آن‌ها را هم این‌گونه ارائه دهید. در حالی که همان‌طور که شما گفتید، اکثراً این کتاب‌ها اطلاع‌رسانی اخلاقی یا همان آموزش مستقیم است. گاهی وقت‌ها هم می‌روند به رویکرد نصیحت‌درمانی که مثلاً این‌گونه باش یا فلان کار را بکن و مانند این‌ها. می‌دانید که نصیحت‌درمانی و اطلاع‌رسانی اخلاقی کارایی و اثربخشی کافی را در تربیت ندارد؛ به‌خصوص در جهان و دنیای امروز با پیچیدگی‌ها و شرایطی که ما داریم، باید به اخلاق جدی‌تر توجه کنیم. لذا این چند رویکرد است که ما می‌توانیم اتخاذ کنیم. به نظر می‌رسد ما می‌توانیم رویکرد فرابرنامه‌ای داشته باشیم. برنامه‌ریزی شده و هماهنگ و یک نقشه راه و یک نقشه کلان داشته باشیم و همه برنامه‌های درسی بتوانند به‌صورت هماهنگ برنامه منسجمی داشته باشند برای اینکه به تربیت اخلاقی بپردازند. البته آن هم با معنای درست آن. یعنی فقط این نباشد که ما اطلاع‌رسانی اخلاقی کنیم.

#### ● نقش معلم و مربیان تربیتی در تربیت اخلاقی را توضیح بفرمایید؟

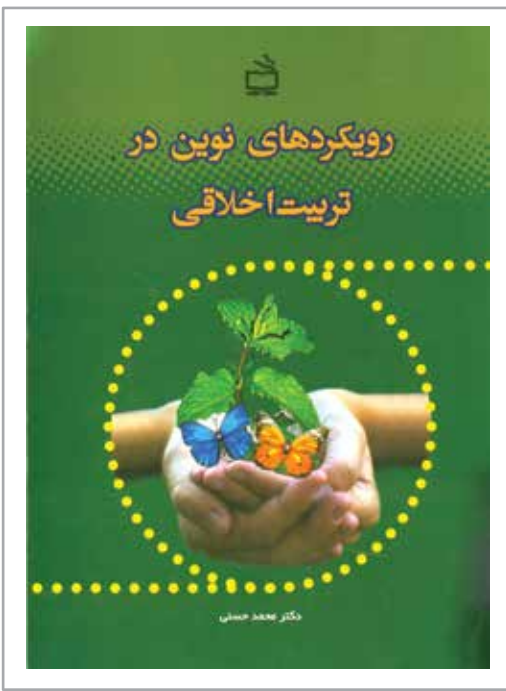
■ نقش معلم نقش پیچیده‌ای است و بدون هیچ تردیدی خود عمل معلم ماهیتاً باید جنس اخلاقی باشد. یعنی اگر جنس و عمل آموزشی معلم را در نظر بگیریم، عمل اخلاقی است. چرا عمل اخلاقی است؟ به خاطر اینکه در واقع منشأ عمل آموزش یا عمل تربیت خیرخواهی و نیک‌خواهی طرف مقابل است. یعنی به دنبال تغییراتی مطلوب، رشد، توسعه و تعالی در طرف

و به‌صورت یک فرهنگ نانوشته در مدرسه، ارزش‌های اخلاقی به بچه‌ها منتقل می‌شود و بچه‌ها آن ارزش‌های اخلاقی را فهم و شهود می‌کنند. گروهی این را قبول ندارند و می‌گویند مداخلات تربیت اخلاقی باید صریح‌تر و آشکارتر باشد. این را به‌جای برنامه درسی جداگانه مانند ریاضی و علوم و سایر درس‌ها می‌آورند. در فعالیت‌های فوق برنامه قرار می‌دهند. مثلاً شما شاید در نظام آموزشی کشور خودمان دیده باشید که ما طرحی داشتیم به نام «طرح کرامت» که سال‌های سال در مدارس دنبال می‌شد. این طرح مداخله‌ای بر تربیت اخلاقی بود. شما اگر منویات طرح کرامت را مطالعه کرده باشید، متوجه می‌شوید که این نوعی فعالیت یا مداخله جانبی در حوزه تربیت اخلاقی بوده است.

یک شکل دیگر از تربیت اخلاقی وجود دارد که تربیت اخلاقی را محاط و تنیده می‌کنند در برنامه‌های دیگر، یا در یک درس و یا در خوشه‌هایی از درس‌ها. مثلاً به‌طور سنتی، در فرهنگ کشورهای اسلامی، درس اخلاق زیرمجموعه تعلیمات دینی قرار می‌گیرد. اگر یادتان باشد، در قدیم درسی داشتیم به نام تعلیمات دینی و اخلاق. من اسناد آن را هم که بررسی کردم، دیدم زمانی مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش یا شورای عالی فرهنگ این بود که آموزش اخلاق ذیل دین قرار بگیرد. خوب در خیلی از کشورهای اسلامی همین اقدام دارد می‌شود. یعنی آموزش ارزش‌های اخلاقی ذیل تربیت دینی است. مثلاً در مالزی برای مسلمان‌ها کتاب آموزش اخلاق آن‌ها ذیل تعلیمات دینی آن‌هاست. در عربستان هم همین‌جور است. احتمالاً در ترکیه و سایر کشورها هم همین‌طور است. بعضی از کشورها این را نه فقط در تعلیمات دینی، بلکه در درس‌های دیگر هم منتشر می‌کنند.

#### ● در آموزش اخلاق کدام رویکرد در برنامه‌های درسی باید حاکم باشد؟

■ رویکرد سند در آموزش بیشتر رویکرد فرابرنامه‌ای است. این رویکرد تزریق همان رویکرد فرابرنامه‌ای است. ساحت اخلاقی تربیت در تمامی ساحت‌های تربیت نفوذ، ظهور و بروز دارد. مثلاً در ساحت سیاسی اجتماعی که خیلی جدی است، در ساحت



مقابل است. چون این ماهیت عمل معلم است، پس اساساً عمل اخلاقی است. این را ما فعلاً کنار می گذاریم. اما برویم سراغ اینکه معلم قطعاً یک مداخله کننده تربیتی است که در موقعیت های گوناگون می تواند فضای بحث را به سمت فضای اخلاقی و به سمت ساحت اخلاقی زندگی ببرد. غیر از اینکه به هر حال معلم به عنوان یک الگوی اخلاقی می تواند در فضای مدرسه نقش ایفا کند که تردیدی هم در آن نیست. بسیاری از متفکران اخلاقی در اینکه معلم نقشی الگویی دارد، هیچ تردیدی ندارند. چه حتی آن هایی که سازنده گرایانه با تربیت اخلاقی برخورد می کنند و چه آن هایی که سنتی برخورد می کنند، بر نقش اخلاقی و الگویی معلم تأکید می کنند، چون رفتارهای معلم در واقع توسط دانش آموزان و به نحو فعال، به طور مداوم تجزیه و تحلیل می شود و ارزش های پشت این رفتارها شناسایی می شوند یا به تعبیر من شهود می شوند. هیچ شکی نداشته باشید که دانش آموزان مدام این رفتارها را تحلیل می کنند و ارزش هایی را که در پس این رفتارها وجود دارد، می شناسند.

من خیلی طرفدار این هستیم که برای ارتقای درک و فهم بچه ها، در کلاس درس گفت و گوهای اخلاقی شعله ور شوند و پا بگیرند. این گفت و گوهای اخلاقی، اگر با مدیریت درست انجام شوند، یعنی معلم بتواند این را مدیریت کند و به جمع بندی برساند و بچه ها را تحریک کند که تحت تأثیر این جمع بندی اقدام هم بکنند، خوب است.

**• در فعالیتهای مربوط به پرورشی و فرهنگی مدرسه که خارج از کلاس درس هستند و مربیان انجام می دهند، مانند اردوها، جشنواره ها و انواع مسابقات علمی و مراسم صبحگاهی، مشارکت بچه ها چگونه است؟ اینجا چگونه می توان به طور مستقیم و غیرمستقیم زمینه این تربیت اخلاقی را فراهم کرد؟**

■ اتفاقاً اینجا موقعیت بسیار مناسبی است که در این قضیه وارد شویم. یکی از اصول مهم اخلاقی همکاری و تعاون است که در آیات و روایت ما خیلی بر آن تأکید شده است: «تعاونوا علی البر والتقوی». من فکر می کنم این یک آیه کاملاً صریح است که مشخص کرده است ارزش تعاون و همکاری یک ارزش اخلاقی

است و روحیه مشارکت و همکاری روحیه اخلاقی است. بنابراین، ما می توانیم فضای مدرسه را، جو مدرسه را و اتمسفر مدرسه را یک اتمسفر مشارکتی مدیریت کنیم. این کار را مربی امور تربیتی می تواند انجام دهد. نکته بعدی این است که ما در فعالیت های تربیتی یک چیزی داریم به نام باشگاه ها و گروه های دانش آموزی یا انجمن ها. چه اشکالی دارد ما انجمنی داشته باشیم به نام انجمن خدمات اجتماعی. انجمن خدمات اجتماعی می تواند انجمنی باشد که اعضای آن گروهی از دانش آموزان باشند که دوست دارند کارهای اجتماعی انجام بدهند. فرض کنید کمک هایی را جمع آوری کنند. مثلاً اتفاقی افتاده است و چند نفر از پیرهای جامعه محلی به کمک هایی احتیاج دارند. هیچ اشکالی ندارد که مربی تربیتی یا مدیر مدرسه این انجمن را فعال کند و این خدمات را برساند. این ها به این خاطر هستند که بچه های ما عمل اخلاقی را تجربه کنند. بنابراین، ما می توانیم این گونه تشکیلات را هم دایر کنیم.